

نگاه



حسین زمان خواننده موسیقی پاپ درگذشت

تو کی بودی ای مسافر...

نداسنجانی

روزنامه نگار

آخرین دیدارش با مردم به سال ۹۸ برمی گردد. سوم مردادماه. پس از هفده سال دوری، با کشور و شوقی عجیب همچون تب و تاب و عشقی که در ترانه‌هایش هویدای بود، روی صحنه آمد. آمده بود پس از این همه سال فاصله طولانی، دیداری با مخاطبانش تازه کند و آن دیدار وداع آخر شد.

او می‌گفت: «افراد بسیاری تلاش کردند مرا از این کار پشیمان کنند. می‌گفتند تو به نسل قبل تعلق داری و راه دشواری را در پیش گرفته‌ای و اگر کنسرت برگزار کنی سالن خالی می‌ماند و آبرویت می‌رود...» در پاسخ به آنها گفتم به خاطر خودم نیامده‌ام و اگر مردم مرا نخواهند، به احترام آنها دست از فعالیت می‌کشم.»

حسین زمان را مخاطبان دهه ۶۰ و ۷۰ خوب به خاطر دارند؛ خواننده‌ای با صدایی محزون و ترانه‌هایی متفاوت و بی‌تردید همین متفاوت بودن ترانه‌هایش که بیشتر مضمون اجتماعی داشت، موجب شده بود حسین زمان که او را خواننده‌ای در رده موسیقی پاپ می‌نامیدیم، در جایگاه دیگر این ژانر از موسیقی قرار بگیرد. او در گفت‌وگویی در سال ۹۸ با «ایران»، با کلاهی از موسیقی‌های پاپ امروزی بیان داشت: «حال موسیقی پاپ خوب نیست و بیمار است. بیماری‌اش، هم مزمن و خطرناک است و هم واگیردار و همچنان در حال گسترش، اما دلیل این بیماری و اینکه مقصر آن چه کسی می‌تواند باشد و چه تدبیری باید برای آن اندیشید و... همه اینها حاصل سیاست‌گذاری‌های غلط در عرصه فرهنگ و هنر و همچنین حمایت نادرست از موسیقی سالم و ارزشمند است.»

وی در ادامه درباره نقش ترانه اظهار داشت: «موسیقی من کلام‌محور است و بر همین اساس بیشتر زمان خود را صرف انتخاب ترانه‌های خوب می‌کنم و اگر ترانه‌ای مورد سلیقه‌ام نباشد آن را نمی‌خوانم. در واقع اساس کار من بر مبنای ترانه است و بعد از آن ساخت یک ملودی خوب و این دو کنار هم می‌توانند برای مردم جذاب و دلنشین باشند و به شخصه معتقدم موسیقی باید تمام و کمال در اختیار مردم قرار بگیرد، البته اگر روی مضامین اجتماعی دست بگذاریم به ما انگ می‌زنند. به همین دلیل کسی جرأت پرداختن به این موضوعات را ندارد، در حالی که وظیفه هنرمند است که به مسائل اجتماعی بپردازد، اما این کار ممکن است مانع تارشی‌های بسیاری برای هنرمندان به همراه بیاورد.»

حسین زمان آثار ارزشمندی ساخت

قاسم افشار خواننده موسیقی پاپ در گفت‌وگو با «ایران» درباره زنده‌یاد حسین زمان گفت: «آشنایی من با حسین زمان به سال‌ها قبل برمی‌گردد. ما در دو مجموعه موسیقایی همکاری داشتیم و بعد از آن به سبب مشغله‌های کاری، فرصت کمتری برای دیدار فراهم می‌شد و سرانجام آخرین دیدارمان بعد از ۱۷ سال سکوت اجباری، در کنسرت سال ۹۸ شکل گرفت و این افتخار را داشتیم که به این کنسرت دعوت شدم و حسین زمان بعد از سال‌ها دوری از صحنه، یک شب به‌یادماندنی در خاطر مردم به ثبت رساند.»

همکاری قاسم افشار و حسین زمان به دو مجموعه «فصل آشنایی» (وصل هجران، آیین همدردی) مشترک با قاسم افشار، خشایار اعتمادی و علیرضا عمار که سال ۱۳۷۷ به بازار موسیقی آمد و همچنین «گلانه» مشترک با قاسم افشار، امیر کریمی و محمدرضا عیوضی که سال ۱۳۷۸ منتشر گردید، برمی‌گردد.

او در ادامه گفت: «انتخاب اشعار آقای زمان متمایز با دیگر دوستان و تقریباً تمام اشعارش اجتماعی بود؛ اشعارش که بیانگر حال و روز جامعه بود و در این زمینه کارهای بسیار ارزشمندی ساخت.»

قاسم افشار ادامه داد: «سکوت طولانی حسین زمان طی این سال‌ها و فاصله‌ای که میان او و صحنه موسیقی به وجود آمد، خود موجب هزاران بیماری برای او شد. وقتی نگذارند هنرمند فعالیت کند، گویا جانش را ستانده‌اند. متأسفانه تا زمانی که هستیم و هنرمند زنده است، هیچ بهایی به او نمی‌دهند و بعد از فوتش تمامی ممنوعیت‌ها برداشته می‌شود و تصویر حسین زمان از رسانه ملی پخش می‌شود. چرا تا زمانی که حسین زمان زنده بود نگذاشتید فعالیت کند؟!»

این خواننده در پایان بیان داشت: «متأسفانه اطلاعی از بیماری پیشرفته ایشان نداشتم اما اگر اطرافیان یا مسئولان فرهنگی از شرایط بیماری‌اش با خبر بودند، چه بهتر بود مراسم تقدیری برگزار می‌شد و کنسرتی را برای او اختصاص می‌دادند، اما متأسفانه حسین کردن درباره این موضوعات دیگر دیر است و زمان برای همیشه از بین ما رفت. یادش گرامی.» حسین زمان از خوانندگان پیشگام موسیقی پاپ کشورمان، روز پنجشنبه بیست‌ویکم اردیبهشت‌ماه به سبب بیماری درگذشت و آیین تشییع پیکر و خاکسپاری او روز جمعه بیست‌ودوم اردیبهشت‌ماه با حضور تعدادی از هنرمندان و علاقه‌مندان موسیقی در قطعه هنرمندان بهشت زهراي تهران برگزار شد.

نفوذ زبان فارسی در تعامل منطقه‌ای با کشورهای دوست راه را برای جهانی شدن فرهنگ و هنر ایران بزرگ

بیشتر هموار خواهد کرد.

قطب فرهنگی خلیج فارس

محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که جمعه ۲۲ اردیبهشت‌ماه در حضوری چند ساعته به جزیره قشم سفر کرد، در جلسه با مسئولان این منطقه آزاد گفت: «جزیره قشم با دارا بودن ظرفیت‌های متعدد فرهنگی هنری در آینده می‌تواند به‌عنوان قطب فرهنگی خلیج فارس نقش آفرینی داشته باشد.»

او افزود: «از آنجایی که کشورهای منطقه خلیج فارس متأثر از فرهنگ ایرانی هستند، ارتقا و گسترش تعاملات فرهنگی و هنری بین این کشورها در دستور کار این وزارتخانه و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی منطقه آزاد قشم قرار گرفته تا با برنامه‌ریزی، اجرا و برگزاری برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری و جشنواره‌های مختلف، این مسیر هموار شود.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه عنوان کرد: «این موقعیت فوق‌العاده‌ای که در جزیره قشم وجود دارد با غلبه فرهنگی‌ای که

ما در منطقه داریم، ان‌شاء‌الله در این جزیره هم به کار گرفته خواهد شد و یک الگوی جدیدی را به امید خدا برای تبدیل شدن قشم به قطب فرهنگی خلیج فارس در حوزه بین‌المللی شکل خواهیم داد.» محمد مهدی اسماعیلی هدف از سفر چند ساعته خود را به جزیره قشم، بازدید میدانی از امکانات فرهنگی این جزیره برای تحقق قطب فرهنگی خلیج فارس و تصمیم‌گیری برای برنامه‌های آینده این وزارتخانه عنوان کرد و گفت: «امیدواریم با همراهی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد به اهداف خود از این سفر برسیم.»

و امیدواریم با افتتاح نمایندگی‌های فرهنگی ایران در تاجیکستان این مهم تقویت شود.»

اسماعیلی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه اهالی فرهنگ ایران و تاجیکستان با شعرای دو کشور آشنا هستند، به دستاوردهای سفر سال گذشته خود به این کشور اشاره کرد و در ادامه با تأکید بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای روابط فرهنگی با کشورهای دوست منطقه گفت: «ایران بزرگ، فرهنگی ریشه در آداب و سنن مردم منطقه دارد و امیدواریم نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران زمینه‌ساز این تعامل فرهنگی گسترده باشد. زلفیه دولت‌زاده وزیر فرهنگ تاجیکستان در این مراسم گفت: «سال گذشته ناشران تاجیکستان در سی و سومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران شرکت کردند و همچنین ایران در دهمین دوره نمایشگاه کتاب تاجیکستان شرکت کرد که این مرادفات فرهنگی نشان از روابط عمیق دو کشور دارد. در ادامه فعالیت‌های ادبی اقدامات بیشتری انجام خواهد شد تا بتوانیم بهترین تألیف‌ها را انتخاب و ترجمه کنیم.»

جشن بزرگ پارسی زبانان

محمد مهدی اسماعیلی همچنین در جدیدترین نوشته خود در فضای مجازی در این باره نوشت: «سی و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به طور رسمی آغاز شد. رویدادی شناسنامه‌دار در عرصه بین‌المللی که در داخل کشور نیز جشن بزرگ پارسی‌زبانان علاقه‌مند به کتاب و کتابخوانی به شمار می‌رود. با هدف گذرانی مشخص همکاری‌ها و تبادلات فرهنگی بین‌المللی پس از گفت‌و قطر در نمایشگاه سال گذشته، امسال تاجیکستان میهمان ویژه این رویداد است. معز مقدم گسترش پهنه



موقعیت

فوق‌العاده‌ای

که در جزیره

قشم وجود

دارد با غلبه

فرهنگی‌ای

ما در منطقه

به کار گرفته

خواهد شد

و یک الگوی

جدیدی را

برای تبدیل

شدن قشم

به قطب

فرهنگی

خلیج فارس

در حوزه

بین‌المللی

شکل

خواهیم داد



عکس: روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سفر به قشم خبر داد

الگوی جدید برای تبدیل قشم به قطب فرهنگی خلیج فارس

روزهای پایانی هفته گذشته از جمله ایام شلوغ و پرکار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. محمد مهدی اسماعیلی پنجشنبه بیست و یکم اردیبهشت‌ماه در مراسم افتتاح بخش بین‌الملل سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران حضور یافت و غرفه کشور تاجیکستان را

به‌عنوان میهمان ویژه این دوره از جشنواره به‌صورت رسمی افتتاح کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین روز جمعه در سفری چند ساعته به قشم رفت و درباره تبدیل این منطقه به قطب فرهنگی خلیج فارس در حوزه بین‌الملل سخن گفت.

سی و چهارمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و غرفه کشور تاجیکستان به‌عنوان میهمان آیین افتتاح بخش بین‌الملل

گزارش

گروه فرهنگی

Culture@irannewspaper.com

«روایت رستگاری؛ به یاد حجت‌الاسلام دینی» در نمایشگاه کتاب برگزار شد

سلام بر مسعود عزیز

گروه فرهنگی/ نشست «روایت رستگاری به یاد حجت‌الاسلام مسعود دینی» با حضور علی‌رزمانی؛ سخنگو و قائم‌مقام سی‌وچهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، مادر مرحوم دینی، فاطمه میرمحمدصادقی؛ همسر مرحوم دینی، مرتضی صفایی، مهدی قزلی، آراز یارسقیان، افروز مهدیان، پرستو نیک‌نام و حسین شاهمردی در سالن جایزه جلال آل احمد واقع در شبستان اصلی مصلاي امام خمینی (ره) برگزار شد.

نیکنام مترجم کتاب، روایتش را از مسعود دینی با قرائت یک دل‌نوشته با عنوان «درباره رهایی» خواند و سپس آراز یارسقیان با بیان اینکه این چیزی که من نوشتم یک نامه است و نمی‌توانم به آن دل‌نوشته بگویم چون عنوان دل‌نوشته برای وقتی است که نمی‌خواهی واقعیت را بگویی اما این دل‌نوشته نیست و واقعیت است. وی متن خود را اینچنین خواند: فلانی سلام، هنوز هفتاد روز نشده که رفتی و من دلم بی‌ارت تنگ شده. خیلی بیشتر از وقتی که بودی. خوب وقتی بودی گاهی می‌شد پنجاه روز، شصت روز، هفتاد روز... آدم ازت بی‌خبر بود... می‌خبر می‌شدی که نه، بالاخره پیام گیری، چیزی، می‌زی بود که آدم هزارگانه‌ی خبر بگیرد و خوب حالا... بگذارد یک بطور دیگر شروع کنم. نزدیک چهل روزی می‌شد که نبودی. آمدی به خوابیم. یادت است؟ اول خیلی سرحال نبودی. هر



خدا... اگر خدا بخواهد... هر چند تیغش به بدن سرتانی دست‌اندازی می‌کند و قلمش داروهای سخت را مجوز می‌دهد. خلاصه اینکه سرطانی همداز مرگ است؛ مرگی زان‌دار، مثل بمب ساعتی. زمان می‌گذرد، دکتر کار خودش را می‌کند و سرطان کار خودش را. بگذریم حرف مسعود بود. متأسفانه مسعود نیچانده بود. مریضی راست بود و سخت، خیلی سخت. وقتی رفقای مشترک خرده اطلاعات‌شان را دادند، با چیزهایی که از سرطان می‌دانستیم، ته دلم خالی شد. همان موقع فهمیدم مسعود زمان کمی دارد. زمان کم و سخت. راستش این خبر مثل آب روی آتش، همه دل‌چرکینی گذشته را محو کرد. در همان نمایشگاه زنگش زدم و حالش را پرسیدم. بعدتر هم چند باری بهش سرزدم. البته نه مثل بعضی از رفقاییش زیاد. من دل دیدنش را نداشتم. مسعود بیمار شده



متأسفانه

مسعود

نیچانده

بود، مریضی

راست بود و

سخت، خیلی

وقتی رفقای

مشترک

خرده

اطلاعات‌شان

را دادند، با

چیزهایی که

از سرطان

می‌دانستیم،

ته دلم خالی

شد

آن چند روز را به بحث کردن درباره عاشقانه‌ی در شعر گذراندی. تو اهل بحث بودی و من نه. به جز روز آخر که به گفته‌های خرده گرفتم، هیچ نگفتم. یاد هست؟ آنقدر هیجان داشتی که ماشین در دست گرفتی و مرا بردی به «کافه کتاب آفتاب» مشهد که آن وقت‌ها هنوز کوچک بود اما رونق زیادی داشت. چندین کتاب برای خریدی «جستارهای درباره مسعود» «بیست مقاله درباره شعر»... تا بخوانم و با تو هم‌نظر شوم. تو آن وقت‌ها جوان بودی مسعود. تازه از گرندسه سی سالگی رد شده بودی، با قامتی درشت، ریشی سیاه و دست‌هایی پر قدرت.

چند ماه بعد در «فرودگاه مهرآباد» دویساره‌ام مشنهد بودم که از خودت دیدم. دست‌هایی کشوده و رویی کشاده‌تر آمدی و این‌بار به جای «جناب آقای طریقی» گفتی: «سلام بر غلامرضای



لوله کشی

گوگل در

تمام منازل

ما وجود دارد

و باید بدانیم

هر چه قابل

جست‌وجو در

گوگل است،

به درد کتاب

شما نمی‌خورد

است، به درد کتاب شما نمی‌خورد. نویسنده زمان قیدار با اشاره به اینکه این کتاب‌ها را باید بخوانیم تا دیگرمانند آن ننویسیم، عنوان کرد: پس از این اتفاقات متوجه شدم که من خلق ادبیات بودم و کار من همه آن چیزی است که در گوگل وجود ندارد. فیلم به ادبیات آموخت که تصویرگری با شما بیگانه است و عکس به نقاشی یاد داد که منظره را می‌توانم بهتر بگیرم و تو به چیزی که من نمی‌توانم به ثبت برسانم، برسی. در دوران جدید چیزهای جدیدی را خواهیم آموخت زیرا کسی جنگ و

نویسنده‌ای هفت جلد فرهنگ جبهه نوشته است و اقدام به مطالعه آن کردیم و روز آخر این هفت جلد کتاب نشان داد که دیگر نمی‌توانیم از این مطالب استفاده کنیم. کتابت این است که لغات مخفی، اقابت کوچه شاملو، تهران قدیم جعفر شهری و... نگاشته شدند و ما باید به دنبال مواردی باشیم که در این کتاب‌ها نیست. امیرخانی با بیان اینکه با این اطلاعات خلق ادبی را بدست آوردیم، ابراز کرد: لوله‌کشی گوگل در تمام منازل ما وجود دارد و باید بدانیم هرچه قابل جست‌وجو در گوگل

بریتانیکا، نور، دهخدا و... به سرعت به دست‌مان رسید و تصور داشتیم زمانی که بریتانیکا را مطالعه کنیم قادر خواهیم بود هرمانی را بنگاریم. در دهه ۷۰ این سی‌دی‌ها را دیدیم و متوجه شدیم همین دیدن، ما را ساعت‌ها از نوشتن دور کرده است. ما با دهخدا فارسی‌دان و با بریتانیکا دانش‌منو و با سی‌دی‌های نور ققیه نشدیم. رمان نویسی مطرح کشور اضافه کرد: بعد از دوران جنگ، کاری چنگی را به نگارش درآوردیم و به دنبال خاطرات رزمه‌ها بودیم که متوجه شدم

نمایشگاه اینوتکس در آخرین روز هفته گذشته میزبان رضا امیرخانی بود تا وی نحوه رمان‌نویسی در عصر استازاپ‌ها را تشریح کند. رضا امیرخانی نویسنده مطرح کشورمان در خصوص فضای مجازی و اینکه در برخی مواقع این‌فضا حقیقی می‌شود، اظهار داشت: در سال‌هایی که کامپیوتر تازه آمده بود با نرم‌افزار داس اقدام به تایپ مطالب می‌کردیم و آرزو داشتیم فرهنگ معین را مطالعه کنیم و داشتن فرهنگ دهخدا برای ما آرزو بود. پس از چند سال سی‌دی‌های

رضا امیرخانی در رویداد اینوتکس:

برای نوشتن قصه خوب باید عصب‌شناسی و زبان‌شناسی بیاموزیم